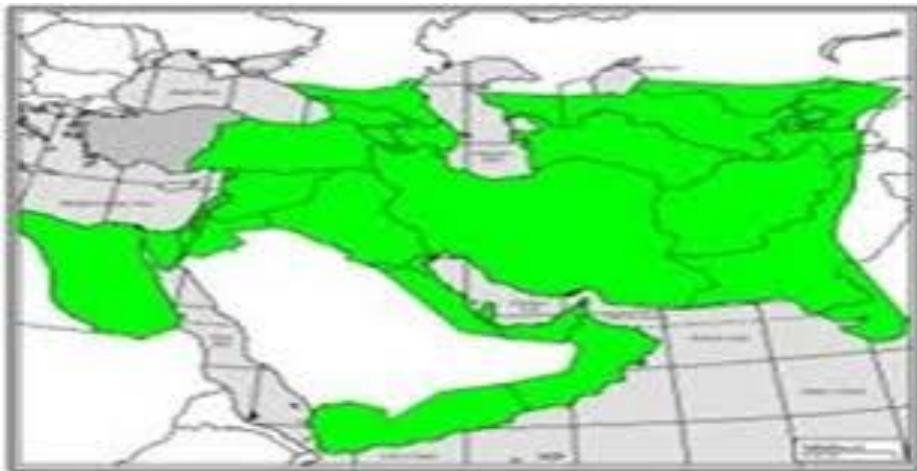




دکتر بصیرکامجو

21 مارچ 2014 میلادی

## برخی از ارزشهای ملی و تاریخی مشترک ما



سرزمین آریان

- 1 - جشن نوروز
- 2 - جشن چار شنبه سوری
- 3 - جشن مهرگان
- 4 - جشن چله یا شب یلدا
- 5 - جشن سده

## اول - جشن نوروز

براساس منابع و متون تاریخی سرزمین آریان ، از شش هزار سال به اینسو

مراسم جشن نوروز منحیث آئین و ارزشهای جاویدانی ، در ادوار متمادی بادوستی و عشق و محبت بی پایان برگزار می گردد.

تجلیل و برگزاری جشن نوروز ، بمثابة با ارزشترین گوهرتاریخ باستانی نیاکان ما ، در حقیقت روند خود آگاهی ملی ، خود شناسی ملی و و خود فرمانی ملی و حس میهن دوستی و وطن پرستی ، غرور و افتخار، نسل های نو بنیاد را تقویت می بخشد. و مراتب همزیستی و همبستگی ملی را در روح و روان این نسل آشکار و نهادینه می سازد.

با این نگرش ، میخوایم از صمیم قلب - جشن بین المللی نوروز را بمثابة یکی از مناسبت های جهانی و فرهنگی معنوی بشری ، به تک تک شهروندان میراث دار این روز فرخنده و میمون در سراسر جهان، تبریک و تهنیت بگویم .

جشن نوروز کهن ترین جشن به جا مانده از دوران باستان سرزمین آریان است. که احساس مهر ورزی و دوستی، با هم بودن و پهلوی هم بودن، را به جهان بشریت به ارمغان آورد.

جشن نوروز از تک زمان اعتدال بهاری می آغازد، مرحله ای که خورشید از صفحه استوای زمین می گذرد و بسوی شمال آسمان می رود. این لحظه را، لحظه اول برج حمل می نامند. از بیست یک مارس شروع می شود ، که در آن دوازده روز به نشانه دوازده ماه گذشته ، در این روز همه خانواده های سرزمین آریان (تاجیکان ، فارسها ، کردها ... ) گرد هم جمع می شوند و از یک دیگر بازدید می نمایند . و تبادل تجارب می نمایند و درباره آینده های روشن به بحث و گفتگومی نشینند. و به پیمان صلح و آرامش و همزیستی میرسند .

نیاکان ما برای پذیرایی جشن نوروز آمادگی های دیگری می گرفتند از جمله «خانه تکانی» و دوختن لباس های جدید و غیره .

براساس داشته های تاریخ مان در دانشنامه آزاد آمده : " که در نوروز هر سال فردی وجود دارد بنام حاجی فیروز، آن فرد که چهره اش سیاه و لباس قرمز می پوشد ، پیاده در اطراف خیابان ها راه می رود و یک آهنگ خاص می خواند :

حاجی فیروزه سالی یک روزه

همه می دانند منم می دانم عید نوروزه

ارباب خودم سلام علیکم

ارباب خودم سرتو بالا کن

ارباب خودم منونگ گاه کن

ارباب خودم لطفی به ما کن  
 ارباب خودم بزرز قندی  
 ارباب خودم چرا نمیخندی؟  
 بشکن بشکنه بشکن  
 من نمیشکنم بشکن  
 اینجا بشکنم یار گله داره  
 آنجا بشکنم یار گله داره  
 این سیاه بیچاره  
 چقدر حوصله داره "

بقول برخی از متون کهن سرزمین آریان از جمله شاهنامه فردوسی و تاریخ طبری، جمشید شاهنشاه  
 پیشدادیان بلخ باستان - پایه گذار جشن نوروز معرفی شده است.



در این متون حکایت است که: "جمشید در هفتاد سال پادشاهی خود با خردمندی و اندیشه نونگری، به  
 دست آورد های چشمگیری نائل آمد:

- ساختن ابزار جنگی، وی آهن را نرم کرد و از آن زره و جوشن و خفتان و برگستوان (پوششی که جنگ آوران به هنگام جنگ می پوشند، پوشش اسبان و فیل ها به هنگام جنگ) ساخت.
- پوشش مردمان ، او با اندیشه بهتر موفق به پوشش مردمان گردید. از کتان و ابریشم و پشم جامه ساخت، رشتن و بافتن و دوختن و شستن را به مردمان آموخت .
- جمشید پادشاه تهیه مسکن، ساختمان سازی و خشت زنی را به مردم آموخت. مردم خاک و آب را به هم آمیختند و گل ساختند و خشت زدند، سنگ و گچ را به کاربرد و خانه و گرمابه و کاخ و ایوان بر پا کرد .
- جمشید سینه سنگ را شکافت و از آن گوهر های گونه گون چون یاقوت و بیجاده و فلزات و زر و سیم بیرون آورد. تازیورزندگی و مایه خوشدلی مردمان باشد .

- جمشید در پی بوهای خوش برآمد و بر گلاب و عود و عنبر و مشک و کافور دست یافت .

- جمشید در اندیشه سفر افتاد و دست به ساختن کشتی برد و برآبها دست یافت .

بدینسان جمشید با چنین دست آورد های ناب خود، که موفق به تغییر در صورت حیات اجتماعی مردم گردید، و به همه هنرها مستولی شد و توانا گردید. انگیزه خود بینی و غرور در او بیدار شد و در اندیشه پرواز در آسمان افتاد :

فرمان داد تا تختی گران بها برایش ساختند و گوهر بسیار بر آن نشانند. خادمان تخت را از زمین برداشتند و بر آسمان برافراشتند. جمشید در آن چون خورشید تابان نشسته بود و این همه به فرایزدی می کرد. جهانیان از شکوه و توانایی او خیره شدند، گرد آمدند و بر بخت و شکوه او آفرین خواندند و بر او گوهر افشاندند و آن روز را که برابر به نخستین روز حمل (21 مارس) بود، آن را نوروز خواندند. (1)

با ارجگذاری به ارزشهای تاریخی این سرزمین، کوروش بزرگ بنیانگذار شاهنشاهی هخامنشیان، نوروز را در سال 538 قبل از میلاد، جشن ملی اعلام کرد.

### کوروش بزرگ



داریوش اول هخامنشی، به مناسبت نوروز در سال 416 قبل از میلاد سکه‌ای از جنس طلا ضرب نمود که در یک سوی آن سربازی در حال تیراندازی نشان داده شده است.

### داریوش اول هخامنشی



نوروز در زمان اشکانیان تاجیک و ساسانیان فارس تحت نام جشن نوروز بزرگ و نوروز خاصه بر پا می شد.

## اشک اول - بنیان گذار سلسله اشکانیان



ارد شیر بابکان، بنیان گذار سلسله ساسانیان در سال 230 میلادی از دولت روم که از وی شکست خورده بود، خواست که نوروز را در این کشور به رسمیت بشناسد. این درخواست مورد پذیرش سنای روم قرار گرفت و نوروز در قلمرو روم به **Lupercal** معروف شد.

### اردشیر بابکان



همچنان از زمان هرمز اول پادشاه ساسانی مرسوم شد که مردم در شب نوروز آتش روشن نمایند. همچنین از زمان هرمز دوم، رسم دادن سکه در نوروز به عنوان عیدی متداول شد.

با روی کار آمدن سلسله‌های سامانیان تاجیک و آل بویه و سلسله ای دودمان های ترک‌تبار، جشن نوروز با گستردگی بیشتری برگزار شد.

نوروز در دوران معاصر به عنوان یک میراث فرهنگی باستانی همواره مورد توجه مردم قرار داشته و هر ساله برگزار می‌شود. البته برگزاری جشن نوروز به صورت آشکار در برخی از کشورها توسط برخی حکومت‌ها برای مدت زمانی ممنوع بوده‌است. حکومت شوروی برگزاری جشن نوروز را در برخی از کشورهای آسیای میانه مانند ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان ممنوع کرده بود و این ممنوعیت تا زمان میخائیل گورباچف ادامه داشت.

همچنین در افغانستان، در دوران حکومت طالبان، برگزاری جشن نوروز ممنوع بود.

بنا به پیشنهاد جمهوری آذربایجان، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در هفتادویکمین نشست مورخ 23 فبروی 2010، 21 ماه مارس را به عنوان جشن بین المللی نوروز یکی از مناسبت های جهانی و یکی از میراث فرهنگی معنوی بشری، با ریشه آریایی به رسمیت شناخت و آن را در تقویم خود جای داد.

در خبر منتشر شده از سوی سازمان ملل متحد در باره اهمیت نوروز آمده است :

"نوروز برای بیش از 300 میلیون نفر در مناطقی از بالکان، منطقه دریای سیاه، قفقاز، آسیای مرکزی، سراسر خاور میانه و آمریکای شمالی نقاط دیگر جهان جشن گرفته می شود." (2)

اکنون کشورهای قزاقستان، چین غربی (ترکستان چین)، تاتارستان، قرغزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، افغانستان، ایران، آذربایجان، ترکیه و ملت کُرد، هندوستان، پاکستان، بنگلادش، بوتان، نیپال و تبت... یکجا از این روز فرخنده باستانی نیاکان بمتابه میراث فرهنگی معنوی بشری با شور و شغف و شادی جشن می گیرند .

برخی بزرگان ما در مورد نوروز می نویسند :

چون سپرم نه میان بزم به نوروز

در مه بهمن بیار و جان عدو سوز

آمد بهار خرم با رنگ و بوی طیب

با صد هزار زینت و آرایش عجیب . « رودکی »

به نوروز چون برنشستی به تخت

به نزدیک او موبد نیکبخت . « فردوسی »

نوروز رخت دیدم خوش اشک بباریدم

نوروز و چنین باران باریده مبارک باد « مولوی »

برآمد باد صبح و بوی نوروز

به کام دوستان و بخت پیروز « سعدی »

ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی

از این باد ارمدد خواهی چراغ دل برافروزی « حافظ »

اهمیت شایستگی و دیرینگی جشن چارشنبه سوری ، جشن نوروز ، جشن مهرگان ، جشن چله یا شب یلدا ، جشن سده و سایر اعیاد ملی و دینی بجا مانده در این اصل متجلی است که، نیاکان ما، جشن نوروز و جشن های دینی را به مفهوم پلّی به فردا در هاله ای از تقدس، و نماد معرفت و شناخت از جهان خلقت و آفرینش در تعمیم مهر ورزی، همدلی، عامل همبستگی احساسات ملی و عقیدتی، قرار دادند .

ماندگاری و استمرار نوروز و اعیاد دینی در پاکیزگی و کنه خدا پرستانه و انسان‌گرایانه ای آن نیز نهفته است :

و آن کنه تقدس جلوه گاه ایست از تعبد و تسلیم به خداوند در سایه عبودیت، فرصتی ایست برای تزکیه نفس و تبلوری از احسان و نیکوکاری، دیدار بادوستان و نمایشی از روند تحول و رستاخیز طبیعت می باشد.

ما از پنجره امید به کرانه های تابش آفتاب گرم نوروز و جشن های دینی چشم دوخته ایم، گرمی ای که دل های یخ زده نفرت و آز را از اسیر سردی نفس ظلمت رها می کند. و ستاره لبخند بر آسمان چهره آشتی می درخشد.

منابع

1- شاهنامه فردوسی، بتصحیح ژول مُول، انتشارات بهزاد، چاپ پنجم، سال 1379، ص 10 - 11. و رجوع شود به لغت نامه دهخدا که در آن این مفاهیم در مورد نوروز نیز بیان شده است که میگوید: "... جمشید در حال گذشتن از آذربایجان، دستور داد که در آنجا برای او تختی بگذارند و خودش با تاج زرین بروی تخت نشست. برسیدن نور خورشید به تاج زرین او، جهان نورانی شد و مردم شادمانی کردند و آن روز را نو نامیدند "

2 - رجوع شود به هفتادویکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ 23 فبروی 2010، که 21 ماه مارچ را به عنوان جشن بین المللی نوروز به رسمیت شناخت.

## دوم - جشن چهارشنبه سوری

جشن چهارشنبه سوری یکی از قدیمی ترین جشن های ملی و باستانی آریائیان است. در شاهنامه فردوسی اشاره هایی درباره تدویر مراسم عیش و عشرت، بزم چهارشنبه ای در نزدیکی نوروز وجود دارد که نشان دهنده کهن بودن این جشن است. این مراسم سنتی تاریخی به مثابه جشن ملی، با عشق و امید از روز گاران قدیم به اینسو در فرهنگ دیرپای مردمان آریانا زمین زنده نگاه داشته شده است.<sup>1</sup>

چهارشنبه سوری همه ساله در هر شب چهارشنبه آخر سال با شور و شغف و دل بستگی خاصی برگزار می شود. برافروختن آتش بر روی هیزم و جستن از آن و روشن کردن فشفشه و شادی کردن در کنار آتش، و برپایی شادی و سرور، یکی از ویژگی های رسوم جاافتاده در جشن چهارشنبه سوری می باشد.

افرادی که از بالای شعله های آتش جستن میکنند و در هر جستن میگویند: " « زردی من از تو سرخی تو از من » یعنی زردی بیماری و ناتوانی را از من بستان و سرخی و شادابی و تندرستی را که در خود داری بمن ببخش » پس از سوخته شدن، خاکستری را که از آتش میماند باید در خاک اندازی، جمع کنند و از خانه بیرون برند و در کنار دیوار بریزند و آنکس که بیرون ریخته است در بازگشت در میزند، باید از درون خانه از او بپرسند: « کیست؟ » و او هم جواب دهد: « منم » گویند: « از کجا آمده ای؟ » جواب دهد که: « از عروسی » بپرسند: « چه آورده ای؟ » گویند: « تندرستی

این جشن ، جشنی نیست که وابسته به کدام دینی یا آئینی ، قومیت و ملیتی باشد ، بلکه منحیث یک نماد همگرایی تاریخی ، در میان آریایی ها و سایر ملیت های حوزه تمدنی آسیا رواج جاویدانه یافته است.

منابع

- 1 - جهت معلومات بیشتر رجوع کنید به : پیام آشنا ، که زیر عنوان «آداب شب چهارشنبه سوری». بازبینی شده در 13 مارچ 2007.
- 2 - جهت معلومات بیشتر رجوع کنید به : مجله مهر ، زیر نام «چهارشنبه سوری» شماره 11 ، سال اول و شماره 1 سال دوم ، نویسنده : سعید نفیسی استاد دانشگاه تهران .

## سوم - جشن مهرگان

فلسفه هر جشنی دو مفهوم را در ذات خودش نهفته دارد .

یکی - تجلی معرفت انسانها از جهان هستی و حیات جهت ایجاد فرهنگ و شکوهمندی ،

دیگری - تقویه هبستگی و پیوستگی میان مردم ، بسبب نهادینه ساختن بنیاد های معرفتی و ارزشهای فرهنگی و تاریخی.

جشن یا عید مهرگان سومین جشن بزرگ آریائیان پس از جشن چهارشنبه سوری و جشن نوروز، نیز - یکی از کهن ترین جشن های ملی نیاکان ما ازین شمار است. وبه گفته بیرونی جشن دوستی جان، عشق و محبت است وازدید ما جشن حسن نیت ، همزیستی و همگرایی است که در شانزدهم روز مهر ماه (میزان ) برابر با هشتم اکتوبر، برگزار می شود.

"روز شانزدهم هر ماه - که به مهر روز موسوم است - مخصوص به فرشته فروغ ، یعنی مهر است. در روز مهر از ماه مهر آریائیان جشن بسیار بزرگی برپا میداشتند. بقول کتاب « بندھشن » : مشیا و مشیانه (آدم و حوای آریائیان ) در چنین روزی تولد یافته اند.

این جشن بزرگ شش روز طول می کشید و از روز شانزدهم مهر آغاز می گردید و به روز بیست و یکم - که رام روز باشد - ختم می شد. روز آغاز را « مهرگان عامه » و روز انجام را « مهرگان خاصه » می گفتند.

مسعودی در «التنبیه و الأشراف» (چاپلیدن، 1893) آورده: جشن نوروز آریائیان در آغاز سال اول تابستان (hama) و جشن مهرگان در آغاز فصل زمستان (zayana) بوده است. یعنی آریائیان بسیار قدیم فقط دو فصل در سال داشته اند. در کتاب «التاج» (چاپ قاهره، 1332، ص146)، منسوب به جاحظ می خوانیم: نوروز و مهرگان دو فصل سال هستند: مهرگان دخول زمستان و فصل سرما است و نوروز، إذن دخول فصل گرم است.



سبب جشن مهرگان آنکه آریانیان گویند در این روز خدای متعال زمین را بگسترانید و اجساد را مقرون به ارواح کرد و بعضی گفته اند در این روز ملائکه یاری و مددکاری کاوه آهنگر کردند بردفح ضحاک بیگانه . و فریدون در این روز بر تخت پادشاهی نشست پیش از آنکه کاوه دفع ضحاک نماید. و زمره ای گفته اند که فریدون در این روز ضحاک را در بابل گرفت و به کوه دماوند فرستاد که در بند کنند و مردمان بسبب این مقدمه جشنی عظیم کردند و عید نمودند و بعد از آن حکام را مهر و محبت بر رعایا بهم رسید و چون مهرگان به معنی محبت پیوستن است بنابراین بدین نام موسوم گشت . " (1)

عید یا جشن مهرگان خزانه پرازکرامت - مهر و دوستداری، مودت و عشق ، نرم دلی و وفاق ، یکدلی و مروت ، خوشی و سرور ، شادی و گشاده رویی ، رامش و عشرت ، خرسندی و آسایش ، شادمانی و خرمی ، مسرت و بشاشت ، است .

بر اصل متون باستانی ! آریانیان به سوگ و ماتم نشستن ، عزاداری و گریه کردن را کار اهریمن ، و جشن و شادی ، فرهت و شکوهمندی را آفریده « اهورامزدا یا خدا » می دانند. ازینرو جشن نوروز را که آغازکننده بهار است از آن جمشید شاهنشاه پیشدادیان بلخ ، و جشن مهرگان را که آغاز کننده پائیز است از آن فریدون پادشاه کیانیان بلخ، می دانند. جشن نوروز و جشن مهرگان نزد آریانیان ، از قدیم تا کنون بسترگاه سرور و شادمانی و نماد همآیشی مردمان این سرزمین بوده است .

بر اساس داده های تاریخ کهن برگزاری جشن مهرگان در گذرگاه زمان از دوره های کیانیان بلخ به این سو با شور و شعف فراوانی تجلیل میشده است . هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان نیز این جشن فرخنده را هزاران سال پیش از اسلام با شکوهمندی بی پایان برگزار می کردند .

جشن مهرگان در تمام آسیای صغیر نیز معمول بود و از آنجا با آیین مهر (مهرپرستی) به اروپا سرایت کرد.

آقای « کومن » شرق شناس بلژیکی در کتاب خود " آئین میترا " مینویسد : " بدون شک جشن مهرگان که در ممالک روم قدیم ، روز ظهور خورشید تصور می شده و آن را « روز ولادت خورشید مغلوب ناشدنی » می گفته اند به بیست و پنجم ماه دسامبر کشیده شده و بعد به سبب نفوذ دین عیسی در اروپا روز ولادت مسیح قرارداد شده است. " (2)

در دانشنامه آزاد آمده است که : " در ملوک خراسان رسم است که در روز مهرگان به سپاهیان و ارتش رخت پائیزی و زمستانی میدهند.

از برگزاری جشن مهرگان که از گذشته های خیلی دور تاریخی ما گفتگومی کند ، در دوره سامانیان تاجیک و غزنویان ترک ، آگاهی بیشتری در دست است، در شعر رودکی ، فردوسی، عنصری، فرخی و منوچهری ... وصف این جشن آمده، ابوالفضل بیهقی از برگزاری جشن مهرگان در زمان سلطان محمود غزنوی، در سالهای 428، 429 و 430 هجری قمری که خود شاهد بوده، " خبر می دهد.

همچنان ارزشمندی جشن مهرگان در ادب فارسی در سخنان خردمندان فوق ، در ذیل چنین آمده است :

ملک جشن مهرگان آمد  
جشن شاهان و خسروان آمد

( رودکی )

\*\*\*\*\*

بکرد اندر آن کوه آتشکده  
بدو تازه شد مهرگان و سده  
( فردوسی )

\*\*\*\*\*

مهرگان آمد گرفته فالش از نیکی مثال  
نیک روز و نیک جشن و نیک وقت و نیک حال  
( عنصری )

\*\*\*\*\*

مهرگان جشن فریدون ملک فرخ باد  
بر تو ای همچو فریدون ملک فرخ فال  
( فرخی )

\*\*\*\*\*

ماه فروردین به گل چم ماه دی بر بادرنگ  
مهرگان بر نرگس و فصل دگر بر سوسنه  
( منوچهری )

\*\*\*\*\*

پیش تخت تو معزی خواند شکر تهنیت  
هم به جشن نوبهار و هم به جشن مهرگان  
( امیرمعزی )

\*\*\*\*\*

امروزه جشن مهرگان را همچو جشن نوروز بادنظرداشت مواضع سیاسی دول مربوطه ، بگونه متفاوت در کشورهای : قزاقستان، چین غربی (ترکستان چین)، تاتارستان، قرغزستان، تاجیکستان، ترکمانستان، افغانستان، ایران، آذربایجان، ترکیه و ملت کرد، هندوستان، پاکستان، بنگلادش، بوتان، نیپال و تبت... وبوسیله مهاجرین فارسی زبان در کشورهای اروپایی و آمریکا ، برای نگهداشتن سنن باستانی و پسندیده سرزمین پدری خویش ، اعیاد و جشن های تاریخی و فرهنگی را خردمندانه با شادمانی برگزار می کنند .

ترتیب برگزاری جشن مهرگان در خانواده ها ، شامل یک سفره رنگین از چیز هایی مانند :



## سفره جشن مهرگان

شمع ، آئینه ، آب ،  
وسبزی ( پودینه ، نعناع ) ،  
میوه ( انار و سیب و تربوز (هندوانه ) و انگور) ،  
سرو ( نام درختی )  
و مورد (درختی همیشه سبز ) ،  
شیرینی (قند و نبات) ،  
باسیا (شراب) ،  
لرک (شیر ترش غلیظ شده بواسطه جوشیدن ) ،  
لیمو ، سکه ... و غیره می باشد.  
میراث دارن جشن مهرگان با تهیه همچوسفره های سنتی از یکدیگر پذیرایی می کنند و با نیایش  
دعای خیر و برنامه های فرهنگی مانند سخنرانی های علمی و تاریخی و سرود های آیینی ، و موسیقی ،  
انرا برپا می کنند .

منابع

1 - فرهنگ دهخدا

2 - همانجا

## چهارم - جشن چله یا شب یلدا



شب یلدا آخرین شب پائیز که د راز ترین و تاریکترین شب در طول سال است. جشن شب چله یا شب یلدا یکی از جشن های کهن باستانی ، همچون بسیاری از آیین های آریانیان ، ریشه در رویداد های عالم هستی دارد. آریانیان این شب را از چند هزار سال پیش ، جشن می گیرند ، خانواده ها در پهلوی همدیگر تا سحر گاه بیدار می مانند و همچنین خوراکی های فراوان (انار و هندوانه و سنجد، به رنگ سرخ خورشید ) برای بیداری درازمدت شب ، تهیه می کردند .

مردم به خواندن شاهنامه فردوسی دوره گرد می آمدند و پیرترها به جوانان و نوجوانان قصه ها داستانی تعریف می کردند و هیزم افروخته دورش می نشستند و به زعم آنان، تا باشد بشارت روشنایی دهد و با شعایش نورخود را از ظلمت تیره شب برهاند.

واژه «یلدا» به معنای «زایش» و «تولد» است. که در رویداد های عالم هستی کیهانی رخ داده است :  
" خورشید در حرکت سالانه خود، در آخر پاییز به پایین ترین نقطه افق جنوب شرقی می رسد که موجب کوتاه شدن درازی روز و افزایش زمان تاریکی شب می شود.

اما از آغاز زمستان ، خورشید دگرباره بسوی شمال شرقی باز می گردد که نتیجه آن افزایش روشنایی روز و کاهش شب است. به عبارت دیگر، در شش ماهه آغاز تابستان تا آغاز زمستان، در هر شبانه روز خورشید اندکی پایین تر از محل پیشین خود در افق طلوع می کند تا در نهایت در آغاز زمستان به پایین ترین حد جنوبی خود با فاصله 23/5 درجه از شرق یا نقطه اعتدال برسد. از این روز به بعد، مسیر جابجایی های طلوع خورشید معکوس شده و مجدداً بسوی بالا و نقطه انقلاب تابستانی باز می گردد. آغاز بازگردیدن خورشید بسوی شمال شرقی و افزایش درازی روز، در اندیشه و باورهای مردم باستان به عنوان زمان زایش یا تولد دگرباره خورشید دانسته می شد و آتراگرامی و فرخنده می داشتند. " (1)

اکنون ما میتوانیم با کمک دست آورد های علمی و فنی اختر شناسی و علم نجوم همچو نیاکان ما گردش خورشید را به نظاره بنشینیم و تماشا کنیم. در دوران باستان بناها و رصد خانه برای سنجش رسیدن خورشید به مواضع سالانه و استخراج تقویم ساخته می شده است. از قبیل رصد خانه استون هنج ، رصدخانه سمرقند ، رصدخانه مراغه ، رصدخانه شهر گور ، رصدخانه نیمروز ، و یکی از مهمترین آنها « رصد خانه چارتاقی نیاسر» در کاشان است. پژوهشگران این بنا را از سازه های اقوام آریایی از دوران اشکانیان تا جیک و ساسانیان فارس می دانند.

(1) منبع: ayine-mehr.persianblog.ir

## پنجم - جشن سده



جشن سده یعنی بزرگترین جشن آتش افروزی و یکی از باستانی ترین و بااهمیت ترین و شناخته ترین جشن های ملی آریانیان است. با دیگر تذکر داد که این جشن وابستگی ویژه ای به کدام دین و آیینی ندارد.

و همواره جشنی ملی و برگرفته از شرایط اقلیمی و رویدادهای کیهانی بوده است. در جشن سده که مصادف به دهم بهمن (دلو) است همه مردمان سرزمین آریان در بلندای تپه ها ، کوه ها و دشت و

صحرا ونواحی مختلف آتش ها برمی افروزند وگرد آن سرود ها می خوانند وبیازی ها و نمایش های دسته جمعی می پردازند و آرزوی رفتن ظلمت سردی و آمدن گرمی را می ستایند.

جشن سده یا جشن آتش و گرمی نه تنها در سرزمین آریان ( ایران ، افغانستان ، تاجیکستان ، آذربایجان ... ) برگزار می شود بلکه در سایرکشور های جهان از جمله : آلمان ، سوئد ، استرالیا ، آمریکا (کلیرنیا ) مردم با گرد آمدن در یک نقطه در کنار هم آتشی می افروزند و به سرود و شادمانی وپایکوبی می پردازند .

"بعضی دانشمندان نام سده را گرفته شده از صد می‌دانند. ابوریحان بیرونی می‌نویسد: (1) "سده گویند یعنی صد و آن یادگار اردشیر بابکان است و در علت و سبب این جشن گفته‌اند که هرگاه روزها و شب‌ها را جداگانه بشمارند، میان آن و آخر سال عدد صد بدست می‌آید و برخی گویند علت این است که در این روز زادگان کیومرث - پدر نخستین - درست صدتن شدند و یکی از خود را بر همه پادشاه گردانیدند و برخی برآنند که در این روز فرزندان مشی و مشیان به صد رسیدند و نیز آمده: "شمار فرزندان آدم ابوالبشر در این روز به صد رسید."

نظر دیگر اینکه سده معروف، صدمین روز زمستان از گاه‌شماری میتراپی است. در تقویم کهن آریانیان مهرآیین زمستان 150 روزه و تابستان 210 روزه بوده‌است. از ابتدای زمستان (اول آبان ماه (عقرب)) تا 10 بهمن که جشن سده‌است صد روز، و از 10 بهمن تا نوروز و اول بهار 50روز و 50 شب بوده‌است. و به علت اینکه از این روز به بعد انسان به آتش دست پیدا کرده‌است شب هم مانند روز روشن و گرم و زنده است شب‌ها هم شمرده می‌شوند.

یکی دیگر از دلایل گرمی‌داشت این شب این است که آریانیان دو ماه میانی زمستان را ،همان دی(جدی) و بهمن را، بسیار سخت و هنگام نیرومند گشتن اهریمن می‌دانستند و برای پایان یافتن این دو ماه نیایش های ویژه ای برگزار میکردند. از شب چله که چله بزرگ نیز نامیده می‌شد و در آن مهر برای مبارزه با اهریمن دوباره زاده شده بود تا شب دهم بهمن ماه که جشن سده و چله کوچک نامیده می‌شد برابر 40 روز است. و به سبب اینکه آتش (مظهر گرما و نور و زندگی) در روز سده کشف شده بود و وسیله دیگری برای مبارزه با اهریمن و بنا بر آیین باعث روشنایی شب مانند روز شد از شب چله کوچک تا اول اسفند (حوت) 20 روز و 20 شب (جمعا چهل شب و روز) است.

یکی از نشانه‌های پیوند این دو پدیده مراسمی است که در بین عشایر سیرجان (طایفه ای از ایل بچاقچی کرمان) و بافت (قصبه ای است که در 122 هزارگزی خاوری سیرجان واقع شده) برگزار می‌شود:

شب دهم بهمن آتش بزرگی بنام آتش جشن سده، با چهل شاخه از درختان هرس شده که نشان چهل روز "چله بزرگ" است در میدان ده برمی افروزند و می‌خوانند:

سده سده دهقانی ،

چهل کنده سوزانی،

هنوز گویی زمستانی ،

و برخی گفته‌اند که این تسمیه به مناسبت صد روز پیش از به دست آمدن محصول و ارتفاع غلات است.

مهرداد بهار در کتاب «پژوهشی در فرهنگ ایران» و رضا مرادی غیاث‌آبادی در کتاب یاد شده بالا، بر این باورند که سده در زبان اوستایی به معنای برآمدن و طلوع کردن است و ارتباطی با عدد 100 ندارد. عدد «سد» به شکل «صد» معرب شده است در حالیکه واژه «سده» به شکل «سَدَق» معرب شده است.

اگر نخستین روز زمستان را (روز پس از شب یلدا) تولد دیگری برای خورشید یا مهر بدانیم، می‌توان آنرا هماهنگ با جشن گرفتن در دهمین و چهلمین روز تولد، آیین کهن و زنده آریایی دانست. (در همه استان‌های کشور و سرزمین‌های آریایی نشین، برگزاری مراسم جشن دهم و چهلم کودک دیده می‌شود) و این واژه «sada» (اسم مونث) که به معنی پیدایی و آشکار شدن است، در تاریخ باستان sadok و در فارسی میانه sadag بوده و واژه عربی سَدَق و نوسَدَق (معرب نوسده) از آن آمده است. روایت‌هایی که جشن سده را به صد روز گذشتن از زمستان و یا پنجاه شب و پنجاه روز مانده به نوروز تعبیر می‌کنند، همگی از ساخته‌های جدیدتر است و در متون قدیمی نیامده‌اند. "

باعرض حرمت

**Dr.Basir Komjo**

منابع

(1) رجوع شود به لغت نامه دهخدا

\* جهت استفاده علمی از متون تاریخ قدیم در مورد جشن سده به بن مایه ها مراجعه فرمائید .

- «نوروزنامه- پنجاه گفتار در زمینه پژوهش‌های ایرانی» (تهران، 1386)

- جشن بزرگ آتش با خاستگاه کیهانی: رادیو فرانسه

- خاستگاه کیهانی نگاره‌های یورش شیر به گاو

- شیر و خورشید و خاستگاه کیهانی باورها و نگاره‌های آن

- خاستگاه ایرانی پالاواییان و تامیلیان

گزارش و تصاویری از برساد - تارنمای خبری و تحلیلی زرتشتیان :

1 - گزارش و تصاویری از جشن سده در مارکار تهران پارس (2) -

2 - گزارش و تصاویری از جشن سده در کرج (2) -

3 - تصاویری از آخرین تدارکات برگزاری جشن سده در شهرهای یزد و شیراز

4 - گزارش و تصاویری از جشن سده در پیر رهگذر چم -

5 - تصاویری از جشن سده در رحمت آباد یزد -

6 - گزارش و تصاویری از جشن سده در کرمان -

- 7 - گزارش و تصاویری از جشن سده در شیراز -
- 8 - تصاویری از جشن سده در اصفهان .
- 9 - تصاویری از جشن سده در کالیفرنیا -
- 10 - تصاویری از جشن سده در استرالیا - ... و غیره
- آثار الباقیه، فصل نهم، ابوریحان بیرونی
- جابر عناصری در کتاب «تجلی دوازده ماه»
- رضا مرادی غیاث‌آبادی در کتاب «نوروز نامه»
- کتاب فلسفه زرتشت نوشته دکتر فرهنگ مهر چاپ هفتم ص 190 ، 191
- آشنایی با جشن سده - برساد - تارنمای خبری تحلیلی زرتشتیان
- شاهنامه فردوسی، تصحیح جلال خالقی مطلق، چاپ آمریکا: 1986، جلد یکم.
- خالقی مطلق، جلال. گل رنجهای کهن، تهران: نشر قطره، 1380.
- مرادی غیاث‌آبادی، رضا. جشن‌های مهرگان و سده، تهران: پژوهش‌های ایرانی، 1384.
- رجایی بخارایی، احمدعلی. برگزیده شاهنامه فردوسی، به کوشش کتیون مزداپور، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم 1381،